سلبریتی‌ها در دنیا ۴۰ تا ۶۰ درصد درآمدشان را مالیات می‌دهند

اعداد باورنکردنی مالیات در سینمای جهان

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

دو هفته پیش بود که محمدباقر نوبخت خیال اهالی فرهنگ و هنر را راحت کرد و گفت دیگر خبری از مالیات گرفتن از این صنف نیست. این خبر واکنش‌های زیادی در پی داشت، در شبکه‌های اجتماعی عکس‌های مختلف کنار هم قرار می‌گرفت که یک کارگر با کمترین درآمد باید مالیات بدهد، اما سلبریتی‌ها نه. البته کسانی که این مصوبه را تصویب کردند هم برایش دلیل و برهان داشتند و می‌گفتند کسانی که درآمد میلیاردی دارند، بخش کوچکی از جامعه هنری هستند. در این گزارش به این موضوع پرداختیم که سازوکار پرداخت مالیات چهره‌های مشهور سینمایی در کشورهایی مثل آمریکا، فرانسه، ایتالیا، انگلستان، اسپانیا، سوئیس، سوئد و آلمان چگونه است.

دوست دارید کجا کار هنری کنید؟ آمریکا یا اروپا

در آمریکا برای گرفتن مالیات بالاترین و پایین‌ترین درصد داده می‌شود، یعنی مالیات حد بالا و پایین دارد با توجه به درآمدی که افراد دارند. مالیات‌ها از سوی دولت‌های فدرال، بیشتر ایالات و برخی دولت‌های محلی بر درآمد خالص افراد و ابرشرکت‌ها وضع می‌شوند. بر درآمد شهروندان هم مالیات وضع می‌شود. جالب اینکه آمریکا یکی از تنها دو کشور جهان است که اگر شهروند اتش مقیم آمریکا هم نباشند، باید مالیات بدهند و مبنای این پرداخت مالیاتی درآمد شهروند آمریکایی است. البته این دریافت مالیات، ایالت به ایالت متفاوت است. از طرف دیگر اگر شما شهروند خوبی باشید و همیشه مالیات‌تان را بدهید، تخفیف‌هایی هم شامل‌تان می‌شود، حالا اگر هنرمند باشید این تخفیف‌ها بیشتر می‌شود، مثلا برای ساخت پروژه سینمایی «بابل»، به دست‌اندرکاران این پروژه پیشنهاد شد اگر بخش‌هایی از فیلم را در ایالت کالیفرنیا بسازند، برایشان تخفیف‌های مالیاتی درنظر می‌گیرند. از این مدل تخفیف‌ها برای هنرمندان وجود دارد، اما همه اینها درصورتی است که مالیات‌ها به‌موقع پرداخت شود. فرض کنید که شما یکی از هنرمندان ساکن در کشور آمریکا هستید. باید مثل سایر شهروندان ماهانه از درآمدتان مالیات پرداخت کنید، در پایان سال هم باید یک اظهارنامه مالیاتی پر کنید و حساب‌هایتان هم چک می‌شود. اما اگر در حین چک شدن حساب، مشخص شود که شما درآمدتان کم‌بوده و مالیات پرداخت کرده‌اید، همان مقدار مالیات به حساب‌تان برمی‌گردد. در بین کشورهای اروپایی، شاید فرانسه از آن کشورهایی باشد که مالیات‌های سفت و سختی را برای شهروندانش وضع کرده است و البته برای هنرمندان این کشور که گاهی زیاد بودن مالیات‌ها باعث شده تا آنها از فرانسه به کشورهای دیگر بروند و تن به مالیات گزاف ندادند. جالب است که این شیوه سفت و سخت قانون مالیاتی در فرانسه فقط مختص شهروندان فرانسوی نیست، بلکه مهاجران هم با قوانینی که برای‌شان حاکم است باید مالیات پرداخت کنند. شاید جالب باشد بدانید که در میان هنرمندان سراسر دنیا، هنرمندان هندی کم و بیش خودشان برای پرداخت داوطلب می‌شوند. این در حالی است که در هندوستان هم افراد با درآمد بیشتر، باید مالیات بیشتری بدهند.

آیا اصغر فرهادی مالیات می‌دهد؟

دو فیلم «فروشنده» و «جدایی نادر از سیمین» از جمله فیلم‌هایی برجایزه اصغر فرهادی است که اتفاقا در ایران ساخته شده است. او تجربه فیلمسازی در خارج از کشور را هم داشته است. فیلم «همه می‌دانند» محصول مشترک اسپانیا، فرانسه و ایتالیا است که فروش جهانی آن تا رقم ۱۸ میلیون دلار بوده است. البته این فیلم با بودجه ۱۲ میلیون دلار ساخته شده است و می‌توان گفت جزء آثار ضرده سینمای جهان بوده است. با وجود اینکه رقم قرارداد اصغر فرهادی برای این فیلم اعلام نشده، اما قطعا فرهادی همان‌طور که از پرداخت مالیات در ایران معاف است در کشوری همچون فرانسه این گونه نیست و باید تا ۶۰ درصد درآمد شخصی‌اش را برای مالیات بپردازد.

این نکته درمورد کشوری همچون اسپانیا هم صدق می‌کند. ۵۶ درصد از درآمد شخصی افراد مشمول دریافت مالیات خواهد بود. این نکته درمورد سایر بازیگرانی که در کشورهای غیر از ایران فعالیت می‌کنند نیز صدق می‌کند. مثلا پیمان معادی که این روزها جزء بازیگران پرردآمد سینمای ایران است هم در سال‌های اخیر در فیلم‌های هالیوودی همچون «Underground ۶» بازی کرده است و واضح است که از معافیت مالیاتی در آمریکا برخوردار نیست. مالیات بر درآمد شخصی در آمریکا حدود ۴۰ درصد است.

فرار از فرانسه

ژرارد اگراوویه مارسل دوپاردیو، یکی از سرشناس‌ترین هنرپیشگان سینمای فرانسه و جهان است و نقش‌های ماندگاری چون کریستف کلمب در فیلم فتح بهشت (۱۹۹۲) به کارگردانی ریدلی اسکات را در کارنامه خود دارد. از سال ۲۰۱۳ در فرانسه قانون مالیاتی تصویب شد و شهروندانی که درآمد بیش از یک میلیون یورو دارند باید ۷۵ درصد مازاد درآمد خود را به‌عنوان مالیات به دولت بدهند. درحالی که همین میزان مالیات در بلژیک ۵۰ درصد بود. به همین دلیل دوپاردیو که به سال‌های اوج بازیگری و درآمد رسیده بود به شهر نیچن که در مرز بلژیک و فرانسه و در خاک بلژیک است، نقل مکان کرد و سیس عازم روسیه شد و تابعیت این کشور را دریافت. در پی این عمل وی، رئیس جمهور وقت فرانسه، فرانسوا اولاند این عمل او را حقارت‌آمیز خواند. او در واکنش به این سخن اولاند گفت: «من فرانسه را ترک می‌کنم به این دلیل که از نظر شما افراد موفق، خلاق و با استعداد باید تنبیه شوند.»

عاقبت فرار اسکورسیزی

مارتین اسکورسیزی، کارگردان، فیلمنامه‌نویس، تهیه‌کننده و هنرپیشه ایتالیایی-آمریکایی فیلم و سیناست. کارگردانی که عنوان‌دار تمامی جوایز معتبر سینمایی دنیا ازجمله اسکار، گلدن گلوب، بفتا، انجمن اتحادیه کارگردانان آمریکا، جشنواره کن و جشنواره فیلم ونیز است. اما اسکورسیزی هم یک ماجرای جنجالی درخصوص فرار مالیاتی داشته است، او در ولنتاین سال ۲۰۱۱ مجبور به پرداخت مالیات سه میلیون دلاری به‌دلیل مالیات معوق، سود و جریمه مربوط به آن شد. اسکورسیزی همچنین در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ نیز مجبور به پرداخت دو میلیون دلار مالیات شده بود که البته همه اینها را پرداخت کرده است.

پرداخت مالیات برای کمک به کشور

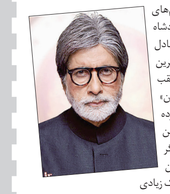

آمیتا باچان یا همان «بوچی»، فوق‌ستاره محبوب فیلم‌های سینمایی کشور هند که با لقب «بی بزرگ Big B» و پادشاه سینمای هند شناخته می‌شود، با پرداخت ۷۰ کرور معادل ۱۰ میلیون دلار به‌عنوان مالیات به دولت هند، عنوان بیشترین مالیات‌دهنده صنعت سینما در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ لقب گرفت. پیش از این سلمان خان بازیگر فیلم سینمایی «سلطان» با ۴۴/۵ کرور مالیات در سال ۲۰۱۸ این عنوان را کسب کرده بود. آکشی کومار نیز که چندین سال با ۲۹/۵ کرور بیشترین مالیات‌دهنده هند محسوب می‌شد، از سال ۲۰۱۷ دیگر نتوانسته به این عنوان دست پیدا کند. وکیل آمیتا باچان اعلام کرد این پول که مبلغ بالایی محسوب می‌شود، کمک زیادی به کشور و درنهایت به مردم خواهد کرد.

سرمایه‌گذاری پرحاشیه

رابی ویلیامز، خواننده پرفروش بریتانیایی در فهرست دریافت کنندگان نشان ملکه الیزابت جای داشت و قرار بود نشان OBE را دریافت کند که گفته شده به‌خاطر مشکلات مالیاتی نام او خط خورده است. این خواننده ۴۵ ساله هم برای خدماتش به امور خیریه و هم به‌دلیل موفقیت‌هایش به‌عنوان یک خواننده پاپ، در فهرست دریافت کنندگان نشان افتخار سال ۲۰۱۹ جای گرفته بود. قانون مدنظر قرار دادن قرار مالیاتی، اندکی پس از اعلام اسامی دریافت کنندگان نشان سلطنتی سال ۲۰۱۹ اعلام شده بود. دیوید کامرون اگرچه از این خواننده به‌دلیل اینکه در انتخابات ۲۰۱۰ از توری‌ها حمایت کرده بود، انتقاد کرده اما گفته قرار مالیاتی او اشتباه بوده است. با این حال نخست‌وزیر بریتانیا گفت به‌دلیل فعالیت‌های خیریه ویلیامز، باید به او اجازه داده می‌شد تا این نشان را دریافت کند. ویلیامز که پرفروش‌ترین خواننده سولوی بریتانیاست، سال ۲۰۱۵ یکی از ۱۴۰ سلبریتی‌ای بود که به یک برنامه سرمایه‌گذاری مرتبط شد. گفته شد او دو میلیون پوند در یک شرکت رسانه‌ای که به محصولات فرهنگی کمک می‌کرد سرمایه‌گذاری کرده است تا از پرداخت مالیات فرار کند.

فرار مالیاتی خواننده

جودی گارلند، بازیگر و خواننده آمریکایی بود. لیزا مینلی دختر اوست. او به‌خاطر نقش‌آفرینی در فیلم‌های بسیاری از جمله «جادوگر شهر آز» و «بی‌تجربه‌ها» شهرت یافت. نکته جالب در مورد او این است که در سال ۱۹۶۶ با فرار مالیاتی روبه‌رو شد و جریمه بسیاری پرداخت کرد.

نرخ مالیات بر درآمد شخصی و شرکت‌های سینمایی در ۱۳ کشور صاحب سینما

کشور	نرخ مالیات بر درآمد شخصی سینمایی (درصد)		نرخ مالیات بر شرکت سینمایی (درصد)	
	پایین‌ترین	بالاترین	پایین‌ترین	بالاترین
ایالات متحده آمریکا	۳۵	۳۹.۶	یک	۵۲.۸
فرانسه	۴۰	۵۹.۶	۳۱	۵۰
ایتالیا	۴۳	۵۱	۲۴	۵۳
انگلستان	۴۰	۵۰	۱۹	۵۲
اسپانیا	۴۳	۵۶	۲۵	۳۵
آلمان	۴۲	۵۷	۲۹.۴۰	۵۶.۸۰
سوئیس	۴۰	۶۱	۱۷.۷۷	۲۵.۰۰
سوئد	۵۱.۵۰	۶۱.۴۰	۲۱.۴۰	۶۰.۱۰
چین	۴۵	۴۵	۲۵	۳۳
ژاپن	۵۰	۵۵	۳۰.۸۶	۵۲.۴۰
هندوستان	۳۰.۰۰	۳۵.۸۸	۲۵.۱۷	۳۸.۹۵
کره‌جنوبی	۳۵	۴۰	۲۲	۴۰
ترکیه	۳۵	۴۰	۲۰	۳۳

ادامه از صفحه ۱۲

حضانت فرزند خنثی کننده مالیات

قصه زندگی و ازدواج دو بازیگر مشهور هالیوود «آنجلینا جولی» و «برد پیت» در رسانه‌های جهان تبدیل به یکی از افسانه‌های قرن جدید شده بود. فضاسازی‌ای که بعد از مدت کوتاهی با جدایی این دوبازیگر سروشکل دیگری به خود گرفت. آنجلینا جولی در دوران زندگی با پیت صاحب ۶ فرزند شد که سه نفر از آنها را به سرپرستی گرفت و سه نفر دیگر حاصل ازدواج این دو نفر بودند. آنجلینا جولی پس از طلاق و بعد از جنجال‌هایی که به پا شد از جمله شکایت برای بازداشت همسر سابقش برد پیت، ظاهرا به این توافق رسیدند که بچه‌ها به صورت دائم تحت سرپرستی جولی باشند. به گزارش فوربس، واگذاری حضانت بچه‌ها به جولی فرآیند پیچیده‌ای داشت، ضمن اینکه حضانت بچه‌ها توسط جولی، خنثی‌کننده مالیات هم بود. البته فعالیت‌های اجتماعی هنرمندان هالیوود یکی دیگر از روش‌هایی است که آنها را از پرداخت مالیات معاف می‌کند. آنجلینا جولی از سال ۲۰۰۱ از سوی کمیسریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، به‌عنوان سفیر حسن نیت تعیین شده و با مسافرت به نقاط دورافتاده جهان به فعالیت در زمینه حفظ حقوق آوارگان و پناهندگان مشغول است.

جریمه مالیاتی برای خواننده آمریکایی

مارکو آنتونیو مونیز که با نام مارک آنتونی شناخته می‌شود، خواننده، آهنگساز و بازیگر پورتوریکویی-آمریکایی است که همواره از او به‌عنوان یکی از بهترین خوانندگان سبک سالسا نام برده می‌شود. آنتونی دوبار با مشکلات مالیاتی مواجه شد. یکبار در سال ۲۰۰۷ محکوم به پرداخت ۲/۵ میلیارد دلار مالیات به نیویورک و یکبار هم در سال ۲۰۱۰ محکوم به پرداخت جریمه مالیاتی ۳/۵ میلیون دلاری شد.

دستمزد بازیگران هالیوودی در سال ۲۰۱۹

درآمد	درآمد برای بازی	نام بازیگر
۲/۵ میلیون دلار	مریخی ۲	جسیکا چستین
۴/۵ میلیون دلار	جوکر	خواکین فینیکس
۶ میلیون دلار	پسران بد برای زندگی	مارتین لارنس
۷ میلیون دلار	فرشتگان چارلی	کریستین استوارت
۸ میلیون دلار	لیگ عدالت ۲	بن افلک
۸ میلیون دلار	سریع و خشمگین تقدیم می‌کند: هابز و شاو	ادریس البا
۹ تا ۱۰ میلیون دلار	پرندگان شکاری	مارگو رابی
۱۰ میلیون دلار	روزی روزگاری هالیوود	لئوناردو دی‌کاپریو
۱۰ میلیون دلار	روزی روزگاری هالیوود	برد پیت
۱۲ تا ۱۳ میلیون دلار	یک مکان ساکت ۲	امیلی بلانت
۱۲ تا ۱۴ میلیون دلار	تاپ گان ۲: تک رو	تام کروز
۱۳ میلیون دلار	سریع و خشمگین تقدیم می‌کند: هابز و شاو	جیسون استاتهام
۱۷ میلیون دلار	پسران بد برای زندگی	ویل اسمیت
۲۰ میلیون دلار	سفرهای دکتر دولیتل	رابرت داونی جونیو
۲۰ میلیون دلار	سریع و خشمگین تقدیم می‌کند: هابز و شاو	دواین جانسون
۲۷ میلیون دلار	شش زیرزمین	رایان رینولدز

فروختن خانه برای پرداختن مالیات

در سال ۲۰۰۹ سازمان خدمات درآمد داخلی آمریکا اعلام کرد نیکلاس کیج، بازیگر مشهور آمریکایی، ۶/۶ میلیون دلار مالیات معوق دارد که باید پرداخت کند. این رقم تا پایان همان سال به ۶/۷ میلیون دلار افزایش یافت. این رقم مجموع بدهی کیج برای سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ بود و درنهایت کیج مجبور شد در سال ۲۰۱۲ بدهی مالیاتی خود را صاف کند. این بازیگر مشهور آمریکایی برای پرداخت بدهی مالیاتی خود مجبور شد چند خانه ویلایی و حتی فسیل مربوط به جمجمه یک دایناسور را که بیشتر خریداری کرده بود، بفروشد. وی بعدها گفته بود که مالیاتش حدود ۱۴ میلیون دلار بوده که پس از ارزیابی مجدد نهایتا با پرداخت ۶ میلیون دلار، سر و ته قضیه را هم آورده است.

جریمه فرار از مالیات

لیندسی مورگان (دی) لوهان دوره‌گه ایتالیایی و ایرلندی، بازیگر، مانکن و خواننده پاپ آمریکایی است. وی یکی از چهره‌های سرشناس هالیوودی و زندگی‌اش پر از حادثه و حاشیه‌های گوناگون است. او در سن ۱۷ سالگی جذاب‌ترین ستاره سینمای هالیوود لقب گرفته است و در سال ۲۰۰۸ رده نهم مجله ماکسیم را در برترین‌های سال از آن خود دارد. در سال ۲۰۱۷ لوهان محکوم به پرداخت ۲۰۰ هزار دلار مالیات شد. این مبلغ شامل جریمه مالیاتی جمع شده و از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ بود.

پیگرد قانونی برای بازیگر معروف

جان جوزف تراولتا، بازیگر و خواننده آمریکایی است. او در دهه ۱۹۷۰ با ایفای نقش در سریال تلویزیونی «خوش آمدی کوتر» و فیلم‌هایی مانند تب شب یکشنبه و گریس شناخته شد. تراولتا در سال ۱۹۹۴ با بازی در فیلم «داستان عامه‌پسند» اثر کوئنتین تارانتینو، به شهرت بسیاری دست پیدا کرد و نامزد جوایز اسکار و گلدن گلوب شد. از مهم‌ترین فیلم‌هایی که وی در آنها بازی کرده، می‌توان «بسری در حباب پلاستیکی»، «فرار از مرگ»، «چشمان یک فرشته»، «شهر دیوانه»، «خط باریک سرخ»، «تغییر چهره»، «اسیری مو» و «گرازهای وحشی» را نام برد. تراولتا دوبار برای بازی در فیلم‌های «تب شب یکشنبه» و «داستان عامه‌پسند» نامزد دریافت جایزه اسکار شد. همچنین او یک‌بار برنده جایزه گلدن گلوب و دو بار برنده جایزه امی شده است. تراولتا بعد از چندبار شکست در راه‌اندازی شرکتش با مالیات پرداخت نشده سنگین مواجه شده و مجبور شد حدود ۶۰۰ هزار دلار بپردازد. او به‌خاطر این مشکلات چندبار تحت پیگرد قرار گرفت.

بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از این رقم دستمزد مشمول مالیات می‌شود

یادداشت

دمی با «من، آن توام!»

مسعود قربانی
نویسنده

حرف‌گو و حرف‌نوش و حرف‌ها
هر سه جان گردند اندر انتها...

وقتی «من، آن توام» که چون چند کتاب دیگر عبدالحمید ضیایی از پارمنوشت‌های کوتاه‌شکل یافته است را به پایان بردم، به‌درستی نمی‌دانستم در من چه حس غریب و عجیبی می‌گذرد. مثنوی کنارم بود و آغاز دفتر ششم آن را زمزمه می‌کردم. به بینی که در ابتدای این نوشته آورده‌ام رسیدم. مثنوی را بستم و فورا آن شعر را در صفحه نخست «من، آن توام» نوشتم.

اینکه تا چه حد معنای این ابیات با حال و هوای کتاب بخواند و اساسا ضیایی به گاه نوشتن این پاره‌ها، نگاهی اینچنینی داشته است یا نه را نمی‌دانم! اما هرچه باشد، به نظرم حسی که حداقل در من جاری بود، با این بیت قابل توصیف است...

به‌درستی نمی‌دانم راوی این کتاب کیست و در سر چه می‌پروراند؟ آیا شمس است که پاره‌هایی از احوال درونی‌اش و زندگی‌اش را برایم می‌گوید؟! مولانا‌ست با چنین انگیزه‌ای؟! یا ضیایی است پشت این سطور! نه می‌توانم تمییز دهم این سه را و نه می‌توانم بگویم چه می‌خواهند این سه از جان هم و جان من! هر چه هست، این کتاب را می‌توان فریاد و ضجه عشق خواند؛ فریادی که هر لحظه راویان متعددی دارد. گاه می‌بینی که نوبتی آن وسط می‌گریی و هوار تنهایی را بر دوشت ضجه می‌کنی! عشق و سپردن خویش به هیچ! مسیرت است؛ گاه کس دیگر و گاه آن سه!

چه درست انتخاب کرده است نام کتابش را ضیایی: «من، آن توام!»

ضیایی همراه شده است با مولانا؛ با او و احوالش:

با مولانا به شمس می‌رسد و او نیز چون مولانا دیگرگون می‌شود. گویی طرف سخن شمس اوست نه مولانا! گویی شمس همه جزوه و درس و بحث او را به آب ریخته و داده است! گویی این بار گریبان او را گرفته است و پوردنت به او می‌زند، نه مولانا... دیگر او از آن خود نیست:

«حالا ریاضیات عشق را می‌فهمم! مثلا جمع این قضیه را که جمع یک با یک می‌شود یک!؛ «ص۲۴)

«حالا اگر گریه سربه‌سر کلماتم نگذارد، به تو خواهم گفت که پیراهنم را به باد گره زده و ایستاده‌ام تا باران سرزنش از زمین و آسمان بر برهنگی‌ام ببارد. حالا ایستاده‌ام در فراسوی ایمان و کفر...«ص۲۶)

در میان گریه است که ضیایی می‌نویسد. در قعر آن تنهایی هول‌برانگیز که به تنهایی ختم شده است. سکوت و فریاد را دستش گرفته است و کتابت می‌کند. دل به دریای عبور زده است: «در گذار از رنج‌ها چیزی فراموش نمی‌شود، تنها تهی می‌نشیند، تنها تنهایی در تو آرام می‌گیرد.» (ص۹۳)

اما عجب نکن! حیرت هیزم این آتش است!

«حالا خودت بگو! آیا من که آمده‌ام از بی‌راهه غریب تو به سمت خودم عبور کنم، در این تغییر موقعیت وجودی از توهمی به توهم دیگر نلغزیده‌ام؟» «ص۳۹)

شک می‌کند! به خود طعن می‌زند! گریبان مردمان را می‌گیرد! گریبان مولانا را ول نمی‌کند و باز گلوی خویش را می‌فشارد، که:

«ما فقط آن چیزی را می‌شنویم که بخواهیم!» «ص۳۵)

«شهاب هربوه»، را از نمی‌دانم کجای تاریخ بیرون می‌کشد. چرا او را؟ کفرش را می‌پسندد؟! مرا شبیه او یافته! از کجا می‌دانست که از زبانش با پاسخ آن فیلسوف خدانابا‌ور می‌گوید: «اما اگر هستی و عادلی، مرا مؤاخذه مکن؛ زیرا دلایل وجودت کافی نبود!» (ص۴۸)

و بعد شمس! (ضیایی!) به سخن می‌آید:

«کافران را دوست دارم، زیرا دعوی دوستی نمی‌کنند. ای مسلمان‌برونان کافراندرون! اگر دین ندارید و عاشق هم نیستید، لااقل کافر باشید!» (ص۴۹)

مولانا به سخن می‌آید، تحیرش می‌کند، از آن او می‌شود، انسان را آرزو دارد، چراکه ستایش از آن اوست نه کعبه سنگی!

با او آن‌گه مجلسش به پایان رسید، همچنان به رقص و سماع است. قمارش را می‌خواهد. قمار می‌کند و هوس آن را در وجودش مزمزه می‌کند. هیچ نمی‌خواهد. دلش فقط قمار می‌خواهد! از زندگی شمس می‌گوید. نمکین گون علاالدین محمد را به میدان می‌کشد. از کیمیامی نویسد و تاریخ را به سخره می‌گیرد! تاریخ کجای من و توست و مگر ظنین‌تر از آن هم وجود دارد؟

اصلا شمس خود وجود خارجی داشته است تا پدرش را با مرغکان خانگی به یک سو نهاده باشد؟! نمی‌داند! فقط این را می‌فهمد که: «من در این عالم غریبم، خدا مرا تنها آفرید..»(ص۶۸)

از خود می‌گوید، از خدا می‌گوید، راز را وارسی می‌کند و بعد به هیچ کجا می‌رسد: «راز شاید عدم حضور تو باشد در جان شیناک و اندوهناک من.»(ص۷۶) خود را پرتاب‌شده در مشتی واژه‌های ناشناس می‌یابد؛ «نقد بست‌مدرنی را در وسط کتابش می‌گنجاند از مقالات شمس تبریزی، که چه؟ نمی‌دانم! انگشت اتهامش به سوی کیست؟ روزگار تهی شده از معنا را به سخره گرفته؟ نمی‌داند! یا علم را در این وسط به دار کشیده؟ باید خاموش ماند در پاره چهارم:

«من چیست؟ تو کدام‌است؟ سیم‌هو در کاکل هستی پیچیده است؛ وهیچ کلمه‌ای شکوهمندتر از خاموشی نیست؛ در این آن عطرآگین که وجود با خودش آرام، گرم گفتار است.»(ص۸۵)

بود این وسط چه می‌خواهد؟ سیاست کجای این کتاب جای گرفته است؟ چرا گریه می‌کند با مولانا و بعد بر او نهیب می‌زند؟ شمس را کجا رها کرده و خود او در چه حالی است؛ چه خواب دیده است ضیایی که این گونه بی‌تابی‌اش را کتابت کرده است:

«من عادت به نوشتن نداشته‌ام هرگز؛ اما پیش از آنکه خوابم ببرد، در حاشیه این سفر آلوهی پاره‌ای از خشم بی‌ثمر و اندوه بیهوده آدمی را باید کتابت کنم! پلک‌هایم دارد سنگین می‌شود...»(ص۱۵۲)

ادامه در صفحه ۱۳

چارسو

حذف تبلیغات از شبکه کودک سیما

محمد سرشار، رئیس شبکه پویا اعلام کرد: «حذف آگهی‌های بازرگانی از شبکه کودک سیما، از یکم آبان ۹۸ با دستور دکتر میرباقری، معاون سیما آغاز شد. در ابتدا قرار بود کلیه آگهی‌ها حذف شوند که بنا به عللی، حذف تدریجی در دستور کار قرار گرفت. بدین‌ترتیب، پخش آگهی‌های بازرگانی در کانال پویا کاملا متوقف شد و خردسالان دیگر هیچ آگهی بازرگانی‌ای نمی‌بینند. در کانال نهال نیز از ساعت دو تا هشت شب، هیچ آگهی بازرگانی برای کودکان پخش نمی‌شود و بازه زمانی آگهی‌ها به ساعت هشت تا ۱۰ شب، که شبکه کودک بیننده کمتری دارد- محدود شده است، بنابرین خانواده‌ها می‌توانند از هشت صبح تا هشت شب، از دیدن شبکه کودک بدون تبلیغات لذت ببرند! ان‌شاءالله در ماه‌های آینده نیز این روند کامل می‌شود و در دو ساعت پایانی بازپخش برنامه‌های کانال نهال نیز، آگهی بازرگانی پخش نخواهد شد. موفقیت بزرگ خانواده‌ها در مطالبه‌گری «پویا بدون تبلیغات» وقتی پایدار خواهد شد که در قالب قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، پخش آگهی‌های بازرگانی برای خردسالان و کودکان ممنوع شود، لذا تک‌تک ما باید از نماینده‌هایمان در مجلس بخواهیم تا به فکر تربیت آینده‌سازان این کشور باشند و با قانونگذاری مناسب، هم بودجه کافی برای تولید برنامه‌های جذاب و آموزنده پیش‌بینی کنند و هم جلوی سوءاستفاده تجاری از کودکان را بگیرند. شبکه کودک دارای دو کانال پویا و نهال است. کانال پویا ویژه خردسالان زیر ۶ سال است و برنامه‌های آن از ساعت هشت صبح تا دو بعدازظهر پخش می‌شود. کانال نهال نیز ویژه کودکان ۶ تا ۱۲ سال است و برنامه‌های آن از ساعت دو بعدازظهر تا ۱۰ شب پخش می‌شود.»

کاراکترهای انیمیشن ایرانی از مدل‌های غربی برداشته می‌شود

ایرج طهماسب، مجری و برنامه‌ساز پیشکسوت حوزه کودک و نوجوان درباره بحث انیمیشن در ایران گفت: «آن چیزی که در محصولات انیمیشنی غربی وجود دارد و برای ما پسندیده نیست، شتاب، تندی و خشونت بیش از حدی است که با فرهنگ و زندگی ما همخوانی ندارد، اما باید این را قبول کنیم که آنها به یک نکته خیلی خوب دسترسی پیدا کرده‌اند و آن را به فرزندان‌شان یاد می‌دهند و ما نسخه بدلی آن را انجام می‌دهیم! آن نکته آموزش به بچه‌ها از طریق دیدن و عمل کردن است. مخاطب اصلی انیمیشن، کودکان هستند و باید بتوانیم با آنالرمان زمان تنهایی آنها را به درستی پر کنیم.» طهماسب افزود: «بچه‌ها یک زمان فراغت در منزل دارند که نه پدر و مادرها و نه هیچ کس دیگری به آن رسیدگی نمی‌کند و ما به آن زمان تنهایی بچه می‌گوییم. ما باید برای این تنهایی یک برنامه، فکر یا ایده‌ای در نظر بگیریم. ساده‌ترین فکر ساخت اسباب‌بازی یا وسیله بازی براساس شخصیت‌های انیمیشنی یا تلویزیونی است که در اختیار کودکان قرار می‌دهند تا مهارت‌های مختلف را یاد بگیرد. خطر در آینده مسیری که آثار انیمیشن و کودک و نوجوان ما می‌رود، وجود دارد و کاراکترهایی می‌بینیم که ممکن است برای بیشتر خنداندن کارهای خیلی بدی انجام دهند؛ کارهای زشتی که در فیلم‌های غربی می‌بینید. اگرچه ما می‌توانیم مقدار کم و در حد معقولی از این شوخی‌ها را برای جذب مخاطب استفاده کنیم، ولی مشکل این است که تمام نمونه‌های ایرانی از مدل‌های غربی برداشته می‌شود و اگر نخواهیم این حجم از نکات منفی را کم کنیم، قطعا توفیقی به دست نخواهیم آورد، مگر اینکه مدل خودمان را پیدا کرده و بچه‌ها را طبق آن مدل سرگرم کنیم.»

علیرضا داوودنژاد مشاور کارگردان «اوج ۱۱۰»

مجری طرح و دستیار تهیه‌کننده فیلم سینمایی اوج ۱۱۰ اما اشاره به آخرین وضعیت این فیلم گفت: «علیرضا داوودنژاد، کارگردان سینمای ایران به‌عنوان مشاور پروژه این فیلم انتخاب شده است. البته ایشان از ابتدای این پروژه به‌صورت پدرانه در کنار ما حضور داشتند و کارگردان و سازندگان فیلم را راهنمایی می‌کردند.» تیمسار ستاری، یکی از شخصیت‌های مهم در نظام و همچنین در دوران دفاع مقدس بود. سازمان‌های مختلف همچون ارتش جمهوری اسلامی و اوج، حساسیت درست و بجایی داشتند که فیلم اوج ۱۱۰ به‌خوبی ساخته شود و تصویری از شهید ستاری در ذهن عامه مردم وجود دارد، دچار خدشه نشود. سرمدی کارگردان این فیلم حدود سه سال برای نگارش فیلمنامه کار پژوهشی انجام داده است و همچنین بعد از آنکه فیلمنامه آماده شد و به دستگاه‌های ذی‌ربط ارائه شد، حدود یک سال طول کشید تا تایید نهایی اخذ شود. این فیلم بیوگرافی شهید ستاری نیست، بلکه تیمسار منصور ستاری را به‌عنوان شخصیتی نشان می‌دهد که زمانی که کشور دچار مشکلات زیادی است و از طرف دیگر بروکراسی‌های اداری اجازه خلاقیت را نمی‌دهد، تلاش می‌کند با غلبه بر موانع، به خودکفایی در تولید یک کالای استراتژیک دست پیدا کند. قصه زندگی تیمسار ستاری قابلیت تبدیل شدن به یک سریال تلویزیونی را دارد، اما نمی‌توان همه خدماتی را که ایشان انجام دادند، در قالب یک فیلم سینمایی نشان داد و ما در فیلم اوج ۱۱۰ فقط سعی کردیم یک قصه از قصه‌های زندگی ایشان را به تصویر بکشیم. شهید ستاری در تاریخ ایران نشان داد که جمله «ایرانی نمی‌تواند» کاملا غلط و بی‌پایه است و این تلاش ایشان آنقدر ارزشمند است که باید فیلم‌ها و سریال‌ها برایشان ساخته شود.

تئاتری با موضوع بازی ایران و پرتغال

شایعات پیرامون مسابقه ایران و پرتغال در جام جهانی ۲۰۱۸ سوژه تئاتر شد. نمایش در کشور شما قابل دسترس نیست؛ به شایعه‌ای می‌پردازد که شب قبل مسابقه ایران و پرتغال در جام جهانی، فضای مجازی را پر کرد و همه آن را باور کردیم! شایعه‌ای که هویت‌مان را بسیار نرم زیر سوال می‌برد. «بیرانوند پنالتی رونالدو را نگرفت؛ شنیدن این جمله شاید به خودی خود برایمان بسیار عجیب باشد، زیرا می‌دانیم بیرانوند پنالتی رونالدو را گرفته است، اما کافی است شخصی یا گروهی، به هر دلیلی قصد انتشار همچین شایعه‌ای را داشته باشد. در این صورت دیگر این جمله به هیچ عنوان به نظرمان عجیب نخواهد آمد. بی‌آنکه خودمان بدانیم، به پراکنده شدن شایعه کمک می‌کنیم و هرچه در توان داریم، به کارمی‌بندیم تا اثبات کنیم آنچه می‌گوییم درست است و برای مثال بیرانوند پنالتی رونالدو را نگرفته است. شاید اکنون که از بیرون گود به ماجرا نگاه می‌کنیم، با خودمان بگوییم نه، این حرف‌ها از اجیلی بیش نیست و مگر می‌شود ثابت کرد که بیرانوند پنالتی رونالدو را نگرفته؟ چه کسی چنین شایعه‌ای را باور می‌کند؟ باید بگویم که بهتر است